

## حکمت بازرگانی بین‌المللی

حکمت یا داوری عبارت از قضاوت و رسیدگی خصوصی بدعاوی و اختلافات بین افراد و مؤسسات است قانون هر کشوری نحوه اجرای داوری را تعیین نموده و موجبات تسهیل آن را فراهم میکند.

داوری دو نوع است:

با آنکه قانون طرفین دعوی را مختار میکند که در موضوع معینی بدآوری رجوع نمایند آنرا حکمت اختیاری گویند بعضی اوقات قانون رجوع بدآوری را اجباری مینماید. در باب هشتم آئین دادرسی مدنی ایران از ماده ۶۳۲ تا ۶۷۷ بدآوری اختصاص داده شده طبق مدلول ماده ۶۳۲ آئین دادرسی مدنی کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی را دارند میتوانند منازعه و اختلاف خود را اعم از اینکه در دادگاههای دادگستری طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای که باشد بتراضی بدآوری یک یا چند نفر رجوع کنند و این یک نوع داوری اختیاری است. طبق مدلول ماده ۶۳۳ مدنی متعاملین میتوانند در ضمن معامله یا بموجب قرارداد علیحده ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بدآوری بعمل آید و نیز میتوانند داور یا داورهای خود را قبل از تولید اختلاف معین کنند.

قانونگذار از لحاظ حفظ منافع اتباع ایرانی در مورد معاملات واقع بین اتباع ایرانی و اتباع خارجه طرف ایرانی را ممنوع کرده است از اینکه مادام که اختلاف تولید نشده است بنحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا بدآوری یک یا چند نفر و یا بدآوری هیئتی رجوع نماید که آن شخص یا اشخاص و یا

آن هیئت دارای همان تابعیت باشند که طرف معامله دارد مقنن چنین تصور کرده است که حکم یا داوری که تابعیت آن نظیر طرف خارجی است ممکن است طرفداری یا جانبداری از منافع هم وطن خود بنماید حتی این ماده از مواد آمره است و قانونگذار تصریح نموده هر قراردادی که مخالف این حکم باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلا اثر است.

### تفاوت بین حکمیت و معامله و کارشناسی

وجه تمایز بین داوری (حکمیت) و معامله اینست که هر نوع معامله بنفسه عقداست در صورتیکه حکمیت گرچه ممکن است منشأ آن عقد باشد ولی حکمیت نحوه رفع اختلافات و دعاوی و رسیدگی بآنها است درداد و ستد و در یک عقدی طرفین حل اختلاف خواهند کرد و حال آنکه در حکمیت حل اختلافات حاصله بعهده اشخاص ثالث خواهد بود که بتراضی طرفین انتخاب شده اند که اشخاص مزبور مبادرت بصدور رای داوری خواهند کرد که برای طرفین دعوی لازم الرعایه است نفوذ رأی داوران مثل نفوذ و اعتبار احکام دادگاهها است مضافاً آنکه رأی داوری رأسا قابل اجراء است (باستثناء مواردی که در قانون صراحتاً اجرای احکام داوری ممنوع شده است) در هر عقدی برای هر طرف تعهداتی بنفع دیگر وجود دارد و حال آنکه برای داوری مثل هر دادنامه ممکنست کلیه حقوق و دعاوی یک طرف بطرف دیگر تخصیص داده شود.

تفاوت بین حکمیت و کارشناسی درست است طرفین دعوی یا دادگاه مسئله رسیدگی بدعاوی را هم در حکمیت و هم در کارشناسی باشخاص ثالث واگذار کرده اند ولی تفاوت آن دو در اینست که طرفین دعوی مجبور بقبول نظریه کارشناس نیستند و حال آنکه داورانی که صادر میکنند برای طرفین لازم الرعایه است بین داوری داخلی و داوری بازرگانی بین المللی تفاوتی وجود دارد که ذیلا بشرح آن مبادرت میشود.

### داوری بازرگانی بین المللی

از تمام تأسیسات حقوقی که در خدمت بازرگانی بین المللی است بحکمیت کمتر توجه میشود ولی بازرگانان یا ارباب صنایع که دائماً با فروشندگان خارجی در

تماس میباشند میدانند که حکمیت تا چه اندازه نقش مهمی در تسهیل تجارت بین‌المللی و تأمین منافع کشورهای مختلف ایفا مینماید چون سیستم قانونگذاری در کشورهای مختلف متفاوت است و بین قوانین ممالک مختلف در بعضی موارد حتی تهاقت و تضاد وجود دارد و سیستم قضائی و آئین دادرسی آنها با یکدیگر فرق میکند بهترین وسیله برای رفع اختلافات و دعاوی بین اتباع کشورهای مختلف و بهترین طریقه منصفانه رسیدگی همان داوری است مراجعه بدادگاههای ملی البته برای عموم آزاد است اما مؤسسات خارجی در ارجاع به دادگاههای ملی خودداری و تردید روا میدارند. برای اینکه به نحوه رسیدگی و آئین دادرسی آن کشور نا آشنا بوده و از احقاق حق و رسیدن بحقوق خود تردید دارند مضافاً آنکه اغلب دادگاهها در مسائل فنی امور تجاری و بانکی و بیمه حمل و نقل بین‌المللی مختصر تجارت بین‌المللی که بی‌اندازه پیچیده و معضل و مشکل و غامض است تخصص کافی نداشته بهمین جهت ارجاع امر مختلف فیه بداوران متبحر در امور بازرگانی و اقتصادی کمک بسرعت رسیدگی و قضاوت و ختم داوری و رفع اختلافات نموده که اغلب محاکم نمیتوانند بآن سرعت باین امور رسیدگی نمایند . با وضعی که رسیدگی به امور بازرگانی اختصاری است مضافاً آنکه تجارت بین‌المللی بقدری شقوق مختلف و متنوع دارد و باندازه‌ای توسعه پیدا کرده که هر رشته‌ای احتیاج بتخصص و اطلاعات فنی زیاد دارد که يك قاضی که بامور حقوقی آشنائی بیشتری دارد نمیتواند در امور فنی مزبور تخصص داشته باشد و حال آنکه میتوان داوران متخصص در آن رشته تجاری پیدا کرد طی قرون متمادی داوری یکی از طرق حل اختلافات تجاری بین‌المللی بوده است. توسعه جهان صنعتی امروزی و تولیدات صنعتی و کشاورزی تاسیسات مستعدنی بوجود آورده و قراردادهای بین‌المللی را باعث شد که در اغلب آنها ماده‌ای راجع بدآوری گنجانیده شده که در صورت بروز اختلاف در طول مدت اجراء قرارداد بین طرفین اختلافات بوسیله مؤسسات بین‌المللی از طریق داوری حل و فصل خواهد شد . در کشورهایی که اقتصاد آنها تحت نظارت دولتهاست داوری تحت نظر مؤسسات دولتی صورت میگیرد در کشورهایی که اقتصاد آزاد و فردی وجود دارد مؤسسات تجاری متخصص بعنوان مؤسسات حکمیت وجود دارد یا مؤسسات منطقه‌ای حکمیت

دیده میشود و بعضی مؤسسات بین‌المللی از قبیل دادگاه حکمیت که توسط اطاق بازرگانی بین‌المللی تاسیس شده مشاهده میشود.

در اغلب اوقات موضوعاتی که بحکم یا بدادگاه داوری ارجاع شده موجبات رضایت طرفین دعوی را فراهم کرده است طرفین یا اطراف معامله که طبق ماده قرارداد یا یک قرارداد مشترك قبول نمودند که در صورت بروز اختلاف هر نوع اختلاف یا دعوی را از طریق حکمیت حل و فصل نمایند اغلب بآراء داوری تمکین مینمایند. اکثراً قوانین ملی کشورها داوری بازرگانی بین‌المللی را محکوم و مطرود نکرده‌اند فقط چون در مورد احکام داوری بین‌المللی ضمانت اجرائی وجود ندارد عملاً کشورها از حکمیت مزبور جلوگیری کرده و نگذاشته‌اند که حکمیت وظیفه خود را انجام دهد.

### قرارداد ژنو ۱۹۲۷

اولین موافقتنامه بین‌المللی در مورد داوری بازرگانی بین‌المللی بلافاصله بعد از جنگ اوتنظیم شده و این موافقتنامه معلول اقدامات اطاق بازرگانی بین‌المللی بود در سال ۱۹۲۳ اطاق بازرگانی مزبور دادگاه داوری را تاسیس نمود که وظایف آن رفع اختلافات بوسیله داور یا داوران بوده است البته این امر تابع این بوده است که طرفین قرارداد مسئله ارجاع امر بداورى بین‌المللی را در صورت بروز اختلاف ضمن قرارداد یا عقد شرط کرده باشند از طرف اطاق بازرگانی بین‌المللی در همان اوان پیشنهاداتی بجامعه ملل شد که منجر بامضای پروتوکل ژنو در مورد شروط داوری در سال ۱۹۲۳ و در سال ۱۹۲۷ منتج بانعقاد قرارداد ژنو مربوط بشناسائی و اجرای احکام داوری خارجی گردید. امضای این قرارداد از طرف ۲۴ دولت موجبات تحکیم داوری بین‌المللی شد بطوریکه بعضی از کشورها اصول آنرا در قوانین داخلی پذیرفته و وارد کردند.

قرارداد ژنو اثر و نفوذ قانونی را بمسئله داوری داد و حال آنکه در همین اوان اغلب کشورها معتقد بدخالت و نظارت در امور داری داخلی خود نبودند و آنرا مخالف با

اصل حاکمیت میدانستند متاسفانه قرارداد ژنو نتوانست راههای مفرقی را مسدود کند. مثلاً محاکم میتوانستند از اجرای احکام داورى خارجى جلوگیری کنند یا بطور نامحدود موجبات اطاله اجرای آن را فراهم کرده آنرا بعهده تعویق بیاندازند.

مع الوصف چون دادرسی در دادگاهها بی اندازه گران تمام میشد و پرخرج بود و از طریق حکمیت سریع تر اختلافات داورى بین المللی قطع و فصل میگردد فکر حکمیت توسعه بخشید.

وحدت قوانین ملی در مورد حکمیت اطاق بازرگانی بین المللی که متوجه پیشرفت و توسعه سریع قرارداد ژنو بود در عین حال بنقائص پیمان مورد توجه داشت. چندین سال متوالی با مؤسسه حقوقی بین المللی در مورد وحدت حقوقی خصوصی از نظر متحدالشکل کردن قوانین حکمیت در کشورهای مختلف همکاری و معاضدت کردن قوانین حکمیت در کشورهای مختلف همکاری و معاضدت نمود. البته موفقیت در این راه آرزوی جهانیان است که تاروکی از این راه کلیه اختلافات تجاری تصفیه شود ولی موفقیت در این راه بسیار بعید بنظر میرسد پس با امید روزیکه قانون گذاران ملی دست بچنین اقدام انقلابی بزنند باید راه حلی پیدا کرد تا حکمیت بتواند نقش خود را آزادانه ایفا نماید.

در سال ۱۹۵۱ کنگره لیسبون اطاق بازرگانی بین المللی طرح قرارداد بین المللی به منظور تأمین شناسائی و اجرای احکام داورى خارجى را مطرح نمود. دو سال بعد اطاق بازرگانی مزبور برای این منظور طرحی تهیه کرد که بشورای اقتصاد و اجتماعى سازمان ملل متحد واگذار گردید در ماه مه ۱۹۵۹ در نیویورک در اجتماع کنفرانس سیاسى بین المللی سازمان ملل متحد قرارداد بین المللی جدیدی روی مبنای طرح اطاق بازرگانی بین المللی از نظر تطابق دو سیستم متفاوت کشورهای کمونیست و کشورهای آزاد مورد رسیدگی قرار گرفت.

### قرارداد سال ۱۹۵۸ نیویورک

اصل عمده‌ای که در قرارداد نیویورک پذیرفته شده عبارت است از شناسائی

آزادی و اراده طرفین متعاملین در مورد اختیار شرایط مناسب برای رفع اختلاف بین خود .

این اصل موجب میشود که طرفین شرایط قرارداد را آزادانه پذیرفته و آنرا محترم بشمارند فرض کنیم یکی از طرفین اختلاف از رأی داوری که طبق قرارداد حکمیت صحیحاً صادر شده ناراضی باشد یا بجهت دیگر با اجرای آن معترض شود این طرف باید برای قاضی که ازمحضر او تقاضای اجرای رأی داوری شده ثابت کند که رأی مزبور با رعایت مقررات قانون حکمیت و طبق شرایط قرار داد حکمیت صادر نشده است.

طبق قرارداد نیویورک ضابطه‌ای که در این موضوع وجود دارد اینست که باید رسیدگی شود که آیا حکمیت منطبق با قراردادی است که آزادانه طرفین متعاملین باهم منعقد کردند یا نه؟ اگر قاضی مشاهده کرد که رأی حکمیت کاملاً با قرارداد انطباق دارد رأی داوری را نافذ خواهد دانست .

فقط در موارد زیر قاضی میتواند از اجرای آن جلوگیری کند .

۱ تشکیل دادگاه حکمیت یا دادرسی داوری منطبق با قرارداد طرفین نبوده و یا مخالف با توافق طرفین پس از بروز اختلاف بوده است .

۲ - رأی داوری مربوط با اختلافی است که در قرارداد حکمیت برای آن مورد اختلاف حکمیت پیش‌بینی نشده است.

۳ - شناسائی و اجرای رأی داوری مخالف با نظم عمومی کشور مربوطه است .  
قرارداد نیویورک تصریح دارد باینکه ممکن است از اجرای رأی داوری جلوگیری کرد یا آنرا بعهدہ تعویق انداخت بشرطی که بثبوت برسد که رأی مزبور در کشوری که صادر شده الزام‌آور و اجباری نیست (در مورد حکمیت داخلی) بدیهی است اثبات عدم الزام آن بعهدہ کسی است که با اجرای رأی صادره معترض میباشد ممکن است رأی داوری را بوسیله دادگاههای کشوری که طبق قوانین آن اجراء شده باطل نمود البته نمیتوان بدآوری یکنوع قدرت مافوق قدرت قوانین ملی داد .

قرارداد نیویورک تعادل و توازن بین دو طرف متنازع فیه برقرار میکند و حال آنکه طبق قرارداد ژنو ترازو همیشه متمایل بطرف مدعی علیه (خواننده) میباشد. هدف اصلی قرارداد نیویورک حمایت کشورهای کوچک در مقابل کارتل و تراستهای بین‌المللی بزرگ و کشورهای معظم بوده است هدف دیگر قرارداد نیویورک تأمین اجرای موافقتنامه اصلی طرفین دعوی است .

قرارداد مزبور وسائل مختلف قضائی را که با تشبث بآن محکوم علیه‌ای که سوء نیت دارد میتواند در چهارچوبه قرارداد ژنو از خود سلب مسئولیت کند حذف کرده است فقط کافی است که طرف حاکم رونوشت مصدق رأی داوری را بداد گاه بمنظور اجرای احکام داوری تسلیم نماید.

طبق قرارداد نیویورک دادگاهی که از آن تقاضای اجرای آراء داوری شده فقط باید نظارت کند که در حکمیت رعایت مقررات اصول عدالت و قضاوت شده باصطلاح رأی داوری مخالف با حق و حقیقت نباشد. وظیفه اطاق بازرگانی که دارای ۴۱ کمیته ملی از کشورهای مختلف و ۲۳ کشور عضو است آنست که مزایا و محاسن قرارداد نیویورک را باطلاع آنها رسانده و ثابت کند تنها مسئله‌ای که میتواند موجبات تأمین و تضمین حسن اجرای بازرگانی بین‌المللی را فراهم نماید قرارداد نیویورک است بخصوص با توجه باینکه قرارداد هائی در این باره بین اطاق بازرگانی بین‌المللی از طرفی و مؤسسه حکمیت امریکائی و سایر مؤسسات بین‌المللی نظیر آن وجود دارد که این امر شبکه نفوذ حکمیت بین‌المللی را توسعه داده و موجبات همکاری و تشریک مساعی بین‌المللی را فراهم مینماید .

### جنبه اقتصادی و سیاسی داوری بازرگانی بین‌المللی

هیچ مؤسسه‌ای قابل دوام و بقاء نخواهد بود مگر اینکه مفید بحال اجتماع و مقاصد آن باشد اگر این اصل یعنی افاده تأسیسات عمومی را تعمیم دهیم داوری بازرگانی بین‌المللی نیز از آن مستثناء نیست وبهمین جهت باید نتایج اقتصادی و سیاسی و یاسایر نتایج داوری را از دیده جامعه در نظر گرفت .

آیا داوری بازرگانی بین‌المللی موجبات تأمین مقاصد جوامع را فراهم میکند

یا نه؟ اگر منظور دنیای آزاد است برای دنیای مزبور چهار نکته اصل یعنی رفاهیت، امنیت، آزادی و عدالت منظور نظر است بدون این چهار اصل جامعه آزاد مترقی و موفق نخواهند بود حال باید دید چگونه داوری بازرگانی بین‌المللی، موجبات تشویق و حمایت چهار اصل مزبور را فراهم میکند؟ ۱ - رفاهیت و ترقی و تعالی دنیای آزاد بستگی بمفید و مؤثرتر بودن منابع آن دارد هر قدر از منابع آن بهتر بهره‌برداری شود آثار آن مؤثرتر و مفیدتر خواهد بود. رشد و پیشرفت سریع منابع ایجاد میکند که موانع جریان آزاد تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری از بین برداشته شود تا بدین طریق از هر جائی که محصول ارزان‌تر است خریداری شده و سرمایه بجائی رود که اثر تولیدی آن بیشتر باشد. یکی از موانع بزرگ جریان تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری اختلافات و تنازعات بازرگانی بین‌المللی است این اختلافات از بازرگانان و ارباب صنایع و مولدینی که تابعیت مختلف دارند سرچشمه میگیرد. اختلافات مزبور مانع از توسعه روابط حسنه بین آنان میشود و بی‌اندازه متنوع و متعدد و راجع بمسائل مختلف است مثلاً در تجارت خارجی ممکن است درباره حمل و نقل - کیفیت و کمیت جنس مقفود شدن کالا در ترانزیت و حین حمل و نقل یا قواعد پرداخت یا عدم مطابقت جنس نمونه یا عوامل دیگر فنی که در معاملات بازرگانی بین‌المللی مؤثر میباشند اتفاق افتد در سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است این اختلاف بین سرمایه‌گذار خارجی و دولت در اثر مقررات یا اختلاف در شرایط بوجود آید. در دو مسئله تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی عوامل این اختلافات و در سالهای اخیر در اثر توسعه دخالت‌های دولتها در حیات اقتصادی بخصوص اقدامات و نظارت درباره صادرات و واردات و محدودیتهای تجارت خارجی و تغییرات نرخ ارز و سایر مقررات ارزی و مصادره و انتزاع مالکیت خصوصی و غیره توسعه قابل توجهی نموده است و مسائل سیاسی و فنی و تکنولوژی نیز موجبات تشدید و توسعه دامنه اختلافات را فراهم کرده است. قاعدتاً اگر با سرعت و با اقدامات عاجل و با رعایت منافع طرفین اختلاف جلو این اختلافات گرفته نشود لطمه بزرگی بتجارت و سرمایه‌گذاری خارجی وارد خواهد آمد.



اگر این اختلافات و خصومات و دعاوی بمحاکم دادگستری کشانیده شود حل و فصل آن گران تر و هم طولانی تر بوده و نتیجه محاکمات رضایت بخش تر نخواهد بود.

تفاوت‌هایی که از نظر آئین دادرسی یا قوانین محاکم ملی وجود دارد ممکن است مفید فائده برای احد متعاملین نباشد اغلب این اختلافات موجبات خصومت و کینه شدید بین طرفین را فراهم کرده و بروابط تجاری بین دو کشور لطمه میزند و باعث قطع ارتباط موجود تجاری بین طرفین متعاملین میشود. وجود اینگونه خطرات ناشی از اختلافات و ناامیدی ناشی از اینکه اختلاف از طریق محاکم نمیتواند بسرعت و بطرز رضایت بخشی حل و فصل شود مانع از انجام معاملات تجاری بین المللی خواهد بود.

حکمت بازرگانی بین المللی راه حل تصفیه اختلافات است و باعث رفع نقیصه تجارت و سرمایه گذاری شده و موجبات رفاهیت جامعه غیر کمونیستی را فراهم مینماید.

هدف دوم اینست جامعه آزاد بستگی به برتری رشد و استعداد تولیدی آن نسبت بجهان کمونیست دارد گرچه ممکن است این اصل را بپذیریم که اختلافات نظامی ناگهانی روزی دردنیا بروز کند که در آن اندازه نسبی تجهیزات مناط اعتبار خواهد بود ولی در حال مبارزات دائمی سیاسی و اقتصادی و مسلکی بین دو جهان آزاد و غیر آزاد در باره پیشرفت مادی و تکنولوژی وجود دارد قبلا متذکر شدیم که رشد اقتصادی جهان آزاد بمقادیر زیادی بستگی بتوسعه جریان تجارت بین المللی و سرمایه گذاری دارد و داوری بازرگانی بین المللی است که موانع این جریان را از بین میبرد و بنحو بین و روشنی کمک بتوسعه و تشویق و ترقی و تعالی و امنیت بین المللی خواهد نمود.

هدف سوم عبارت از آزادی بشریت است جهان غرب اغلب آرزو دارد که دخالت دولتها در زندگی اقتصادی چه در امور داخلی و چه در امور بین المللی تقلیل داده شود و معتقد است که این مسئله تنها وسیله حفظ آزادی بین ملت ها است از نظر جهان آزاد باید نفوذ اقتصاد خصوصی را توسعه داد و در امور تجازت و سرمایه گذاری بین المللی

حتی‌الامکان از نفوذ دخالت دولتها کاست از اینرو داوری بازرگانی بین‌المللی در سطح فعالیت‌های خصوصی افراد برفع اختلافات آنها کمک موثری مینماید .

هدف چهارم برقراری عدالت است ووقتی طرزتصفیه اختلافات بین بازرگانان وارباب حرف و صنایع عادل‌ه خواهد بود که رسیدگی بدعاوی و اختلافات با سرعت انجام گیرد وآثار ونتایج آن بدون توجه بمحل داوری و تابعیت طرفین دعوا درتمام کشورها یکسان باشد و طریقه رسیدگی و نتایج قضاوت یکی باشد یا لااقل بقوانین غیرمدون و عادات وآداب تجارت بین‌المللی در قضاوت ودرحین رسیدگی قضاوت توجه داشته باشند .

### مطالعه حکمیت درقوانین داخلی ایران

همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم آئین دادرسی مدنی ازماده ۶۳۲ تا ۶۷۷ بدآوری داخلی تخصیص داده شده است طبق مدلول ماده ۶۳۲ قانونگذار ایرانی داوری اختیاری را پذیرفته است و بکلیه اشخاصیکه اهلیت اقامه دعوا را دارندحق داده که منازعه و اختلافات خودرا اعم ازدعاوی مطروحه دردادگاه‌ها وغیرمطروحه ودرهرمرحله‌ای که باشد بتراضی بدآوری یک یاچندنفر رجوع کنند.

متعاملین می‌توانند درضمن معامله یا بموجب قرارداد علیحده ملتزم شوند که درصورت بروزاختلاف بین آنها رفع اختلاف بدآوری بعمل آید حتی میتوانند قبل از تولید اختلاف داوریا داورهای خودرا انتخاب کننددر قسمت اخیرماده مزبور مقنن از لحاظ حمایت منافع اتباع ایرانی وازترس اینکه مبدا حکم هموطن طرف دیگر خارجی رعایت اصول بیطرفی را ننماید وتعصب بخرج داده یا احياناً از اوطرفداری و جانبداری کند اتباع ایرانی را ممنوع کرده است درمورد معاملات واقع بین اتباع ایرانی واتباع خارجی مادام که اختلاف تولید نشده است بنحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا بدآوری یک یا چند نفر یا بدآوری هیئتی رجوع کند که آن شخص یا اشخاص و یا آن هیئت دارای همان تابعیتی باشد که طرف معامله دارد .

این ماده قدری ابهام دارد با این معنی تصورمیرود که اصولاً حتی در موردیکه

حکم طرف ایرانی از اتباع ایرانی است ولی حکم طرف خارجی دارای همان تابعیت طرف خارجی است تبعه ایرانی تواند حکمیت را قبول کند و حال آنکه منظور مقنن اینست که مادام که اختلاف تولید نشده است تبعه ایرانی قبول ارجاع اختلاف را بدآوری شخص یا هیئتی بنماید که دارای همان تابعیت باشند والا نباید معنی داشته باشد که هر یک از طرفین دعوی داوران خود را از بین هموطنان خود انتخاب نمایند بهمین جهت در مورد تفسیر این ماده باید قائل بشقیق و تفکیک شد و فرق گذاشت بین موردی که طرف ایرانی اصولا بدآوری اتباع خارجی تمکین کرده با موردیکه داور اختصاصی خود را ایرانی انتخاب کرده و طرف خارجی داور اختصاصی خود را ازین هموطنان خود انتخاب کرده باشد مورد سوم وقتی است که طرف ایرانی داور مشترک را ازین هموطنان طرف خارجی انتخاب کند که در اینصورت دآوری باطل و بلااثر خواهد بود طبق ماده ۶۳۴ در قرار داد دآوری باید مشخصات طرفین داورها و موضوع اختلاف ذکر گردد . طبق ماده ۶۳۹ هر گاه ضمن معامله یا بموجب قرارداد علیحده طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی دآوری نماید و آن شخص نخواهد یا تواند بعنوان دآوری رسیدگی کند رسیدگی باختلاف راجع بداد گاه صلاحیتدار خواهد بود مگر آنکه تراضی بدآوری دیگری شود .

مقنن برای داورها تکالیفی تعیین کرده است مثلا طبق ماده ۶۵۷ داورها در رسیدگی و رای تابع اصول محاکمات نیستند ولی باید شرایط قرارداد دآوری را رعایت کند . یا طبق مدلول ماده ۶۵۸ رأی داورها باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد و در صورتیکه داورها اختیار صلح داشته باشند میتوانند دعوا را بصلح خاتمه دهند. (ماده ۶۵۹) در اینصورت صلحنامه ای که بامضاء داورها رسیده باشد قابل اجرا خواهد بود.

اگر یکی از داورها در جلسه ای که برای رسیدگی بمشاوره با اطلاع او تعیین شده حاضر نشود یا حاضر شده از دادن رأی امتناع نماید رایی که با کثرت صادر میشود مناط اعتبار است هر چند که در قرارداد دآوری اتفاق شرط شده باشد منتهی مراتب

عدم حضور یا امتناع داور از دادن رأی یا از امضای آن باید در برگ حکم قید شود. (ماده ۶۶۰)

طبق ماده ۶۶۹ رای داور فقط در باره طرفین دعوی و اشخاصیکه دخالت و شرکت در تعیین داور داشته و قائم مقام آنها نافذ است و نسبت باشخاص خارج تأثیری نخواهد داشت و این مسئله یکی از وجوه امتیاز رای داوری با احکام دادگاههاست.

### آئین دادرسی داوری

ترتیبات و طرز رسیدگی داوری را در طرفین در قرارداد داوری یا در قرارداد منعقد بین خودشان بطوریکه مقرر شده تعیین مینمایند معینا در این مورد باید قوانین داخلی را از لحاظ مطالب زیر در نظر گرفت . ۱- ترتیبات آئین دادرسی ارجاع بداور در مورد دعوی اقامه شده در دادگاه . ۲- ابلاغ تصمیمات و آراء داوری از طریق قضائی بطرف دعوی از جانب مرجعی که داوری باو ارجاع شده . ۳- آئین دادرسی اجراء نیابت قضائی . ۴- مسئله اجرای احکام صادره از محاکم خارجی (ماده ۹۷۳ قانون مدنی) . ۵- تنفیذ قضائی و اجراء دادگاه نسبت به آرائی که داور صادر مینماید . ( مواد ۶۶۱ و ۶۶۲ آئین دادرسی مدنی) .

### آراء داوری باطل و غیر قابل اجرا -

طبق مدلول ماده ۶۶۵ آئین دادرسی مدنی در موارد زیر رای داور اساسا باطل و غیر قابل اجراء است .

۱- در صورتیکه رای مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۲- وقتیکه داور نسبت بمطلبی که موضوع داوری نبوده رای داده یا رای داور پس از انقضاء مدت داوری صادر شده باشد.

۳- در صورتیکه رای داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوی در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و بجهتی از جهات قانونی از اعتبار نیافتاده است مخالف باشد هرگاه داور خارج از حدود اختیار خود رای داده باشد فقط آن قسمتی از رای که خارج از حدود اختیار داور بوده باطل است.

## دعاوی غیر قابل ارجاع بدآوری

طبق ماده ۶۷۵ دعاوی زیر قابل ارجاع بدآوری نیست. ۱- دعوی ورشکستگی دعاوی ۲- راجع باصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و نسب طبق ماده ۶۵۳ آئین دادرسی مدنی هرگاه در ضمن رسیدگی اوضاع و احوالی کشف شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهت مدنی و جزائی ممکن نباشد رسیدگی داورها تا صدور حکم قطعی ازدادگاه صلاحیتدار نسبت بموضوع امر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف میماند.

اطاق بازرگانی مطابق مقررات قانون اطاقهای بازرگانی مجاز است در داوروی تشریک مساعی نموده و کارشناس تعیین کند.

در بعضی مقررات داخلی فعلی باید تجدید نظر شود از لحاظ اینکه با قواعد بین المللی هم آهنگی گردد و همچنین باید اقداماتی نمود که تا ایرانیان در داوروی های داخلی بتوانند از مؤسسات بین المللی حقوقدانان در موضوع داوروی استفاده نمایند.

همانطوریکه ذکر شد قانون داوروی در ایران جزء قانون آئین دادرسی تنظیم شده است این قانون داوروی قرارداد داوروی که بین طرفین قبل یا بعد یا حین اختلاف قضائی تنظیم شده باشد پذیرفته است و هر شرطی که قبل از دعوی تنظیم شده باشد مبنی بر اینکه طرف ایرانی داوروی یک داور یا داورهائی را قبول کرده باشد که دارای تابعیت طرف مقابل او باشد باطل دانسته اما هیچ قاعده نسبت بشرائط داوروی قرار داده یا قرارداد داوروی مربوط بدعاوی که قبلاً طرح شده باشد ندارد.

تعیین داور راساً و یا بقید قرعه طبق شرائط مقرر در مواد ۶۴۲ تا ۶۵۰ بعمل میآید.

در هیچ يك از مواد قوانین موضوعه ایران از همکاری بین مراجع قضائی و اطاقهای بازرگانی مثلاً ذکر نشده است. قواعد عمومی مندرج در مواد ۹۱-۹۵-۹۶-۱۰۱-۱۰۲- آئین دادرسی مدنی مخصوصاً طرز ابلاغ بطرفین دعوی در خارج از ایران (ماده ۹۵) باید تکمیل گردد.

این قواعد با سرعت کار مغایرت دارد و با این طرز رسیدگی داوروی بطول

میانجامد. بعضی از این قواعد موجب میشود طرف محکوم رای داور را باستناد عدم ابلاغ قانونی از طریق دادگاه باطل نماید (مواد ۹۵-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۵ آئین دادرسی مربوطه با بلاغ).

اگر تریبی اتخاذ شود که بشرائط طرفین ضمن قرارداد خود آنها یا طبق قرارداد فی مابین دولت آنها عمل شود موجبات تسهیل کار فراهم میشود.

راجع بنیابت قضائی در قانون ایران باختصار ذکر شده است که دادگاه طبق قراری بدادگاه دیگر نیابت قضائی میدهد ( ماده ۴۷۰ آئین دادرسی مدنی ) در موارد تحقیق محلی و استطلاع از مطلعین و استعمال از کارشناسان یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و یا استفاده از دلائل و غیره و رسیدگی بمحاسبه و دفاتر بازرگانی ( ماده ۳۷۰ آئین دادرسی مدنی ) در مورد استماع گواه در مقرر دادگاه دیگر ( ماده ۴۱۱ آئین دادرسی مدنی ) و تحقیق محلی ( ماده ۴۲۶ تا ۴۳۵ ) و معاینه محلی ( ۴۳۶ تا ۴۴۳ ) و کارشناسی ( ماده ۴۵۱ ) همین قاعده نیابت قضائی بدادگاه دیگر وجود دارد.

اما وقتی که مرجع داور از ایران باشد و بخواهند بدادگاه ایرانی نیابت قضائی بدهند مطالبی به شرح زیر بمیان میاید. ۱- تا مینمی که اتباع خارجه باید بدهند. ۲- حق بیگانه برای اقامه دعوی در دادگستری. ۳- وجود یا عدم قرارداد معامله متقابله با دولتی که تبعه آن خواهان است و تصدیق کنسول ایران در کشوری که مرجع داور آنجاست باینکه عمل مورد تقاضا با قانون کشوری که کنسول مزبور در آن انجام وظیفه میکند هم آهنگ است. در کشور های آنگلسا کسون اسناد تنظیم شده بقید قسم آفیداویت بسیار معمول است.

قانون ایران نسبت باسناد تنظیم شده در کشور های خارجه یا اسنادی که باید بخارجه ارسال شود تصدیق نماینده سیاسی یا قنسولی ایران را الزامی دانسته است (مواد ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ قانون مدنی و ۹۵ آئین دادرسی مدنی ) در مورد استتکاف مدعی علیه مقیم در خارجه گواهی مامور سیاسی یا کنسولی دائر باستتکاف مدعی علیه لازم است بنابراین نمیتوان باقید معافیت قرارداد داور نیز از این مقررات معاف شد. برای رفع این محذور شرعی که در قرارداد داور میشود باید از طرف دادگاه

ایران قابل قبول باشد برای رفع این محذور بهتر است در داوری اختیاراتی باطاق بازرگانی داده شود که غالباً در داوری مواردی پیش می‌آید که ممکن است فوری باشد و بعد از رسیدگی ماهوی باید قرار تأمین صادر شود و دستور داد گاه ایران برای اجرای قرار مزبور لازم است و اگر قرار تأمین از مرجع داوری خارجی صادر شود اجراء آن در ایران مشکل است زیرا طبق قوانین ایران دادگاه باید جهت اجرای آنها قانونی بودن آنرا تنفیذ و اعتبار دلائل را احراز نماید. دستور اجرای رأی داور قبل از رسیدگی ماهوی و تنفیذ قضائی رای داور در صلاحیت همان دادگاه ایران است .

### وضع موسسات دولتی در ارجاع اختلافات به حکمیت

طبق ماده ۲۹ آئین نامه معاملات دولتی مصوب کمیسیون قوانین دارائی مجلس شورای ملی ( ۱۳۳۴ر۲۱۰ ) در هیچیک از پیمانها نباید حق ارجاع به حکمیت قید گردد و صریحاً مقنن موسسات دولتی را ممنوع از ارجاع به حکمیت نموده است. این فکرناشی از اینست که دولت اصولاً در اغلب مواردی که اختلافات و دعاوی بین دولت و اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی بدآوری ارجاع شده محکوم به بی‌حقی شده است و از این بابت خسارات جبران ناپذیری بدولت وارد شده از اینرو اصولاً دولت و مقنن ایرانی یکنوع نفرت و کراهت نسبت به این موضوع داشته و این نفرت و کراهت خود را در آئین نامه معاملات دولتی منعکس کرده است. در تصویبنامه‌های آتی الذکر باز آئین کراهت و نفرت دیده میشود .

طبق مدلول تصویبنامه مورخ ۲۳ مهر ماه ۱۳۲۴ هیئت وزیران باین شرح :  
هیئت وزیران در جلسه ۲۳ مهر ماه ۱۳۲۴ تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویبنامه در پیمانهای که وزارتخانه‌ها با اشخاص یا مؤسساتی که شخصیت حقوقی دارند منعقد مینمایند قید ارجاع اختلاف به حکمیت فقط موکول بصورت تصویبنامه از طرف هیئت وزیران خواهد بود و نیز هیچیک از وزارتخانه‌ها نمیتوانند بدون صدور تصویبنامه مخصوصی اختلافی را که در آن ارجاع به حکمیت پیش بینی نشده است و خواه مربوط به هیچ پیمانی نباشد به حکمیت ارجاع کند و هر گاه اختلاف از این دو قسم اخیر قبل

از تاریخ این تصویب‌نامه بحکمیت رجوع شده باشد وزارتخانه مربوطه باید هرچه زودتر موضوع را مجدداً باطلاع هیئت وزیران برساند و بتصمیم هیئت نامبرده عمل نماید قید ارجاع اختلاف به حکمیت منوط با اجازه هیئت وزیران است.

تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۶۹ مورخ ۱-۳-۱۳۲۸ - بشرح زیر کارکنان دولت و بانکها و شرکتهای و بنگاههای دولتی را که تمام یا قسمت از سرمایه آن متعلق بدولت است از قبول حکمیت که يك طرف آن دولت است ممنوع کرده است.

هیئت وزیران در جلسه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ بنا به پیشنهاد شماره ۴۸۳۱۶۱ مورخ ۳۰/۹/۱۳۲۷ وزارت دارائی تصویب نمودند.

کارمندان دولت و بانکها و شرکتهای و بنگاههای دولتی و حتی مؤسساتی که يك قسمت از سرمایه آن متعلق بدولت است حق ندارند حکمیت دعاوی را که يك طرف آن دولت است قبول نمایند مگر با اجازه مخصوص هیئت وزیران.

طبق مدلول تصویب‌نامه شماره ۱۸۰۳۷ مورخ ۱۰/۱۲/۱۳۲۹ هیئت وزیران که در جلسه ۲۹/۱۲/۲۹ تصویب نمودند تمام وزارتخانه ها و ادارات دولتی و شرکتهای و بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است در هر موقع که ارجاع امری بحکمیت با اختیار صلح لازم شود باید با تصویب هیئت دولت باشد. اسامی داورها نیز در تصویب‌نامه تصریح شود و بتصویب هیئت دولت نیز برسد.

از قرار معلوم سازمان برنامه طبق اختیارات قانونی مستثنی از این مقررات است و میتواند قبول حکمیت یا ارجاع اختلاف بحکمیت بنماید.

در سال ۱۳۳۸ بمنظور الحاق دولت ایران بقرارداد شناسائی و اجرای احکام داوری خارجی ژنوسال ۱۹۵۸ طرح لایحه‌ئی بمجلس سناده شد و بعلت فترت بتصویب نرسیده است.

الحاق دولت ایران به قرار داد مزبور بسیاری از مشکلات تجارت خارجی را مرتفع خواهد ساخت و موجب توسعه و بسط روابط بازرگانی خارجی و جلب سرمایه‌های خارجی در ایران خواهد شد.

چون در وضع حاضر سرمایه گذاران خارجی بقضاوت و سرعت عمل دادگاههای



داخلی اطمینان کافی ندارند از سرمایه گذاری در کشور ایران خودداری کرده اند اغلب سرمایه داران خارجی طرفدار گسترش اصول حکمیت بین المللی هستند و مایلند که در کلیه قراردادهای آنها حکومت اصل حکمیت را در صورت بروز اختلاف رعایت کند. در هر صورت آنچه مسلم است باید مرکز سازمانی برای امور داوری بین المللی در ایران بوجود آید و بهتر اینست که مسئله حکمیت در مورد اختلافات امور صنعتی باطاق صنایع و معادن و قضیه داوری در امور تجاری باطاق بازرگانی تهران واگذار شود و از وجود کارشناسان و مطلعین در امور اقتصادی و صنعتی و حسابداری داخلی یا شخصیت های بین المللی در امور حکمیت استفاده گردد. در قسمت مقررات مربوط بمنع مؤسسات دولتی از ارجاع اختلاف بحکمیت باید تجدید نظر شود.

ما در این باره پیشنهادات و نظرات مفصلی داریم که بموقع در اختیار علاقمندان خواهیم گذاشت فقط در این مقاله سعی کرده ایم تا اندازه ای اهمیت حکمیت بازرگانی بین المللی و لزوم ایجاد سازمان مرکزی حکمیت در ایران و لزوم تصویب لایحه الحاق بقرارداد ۱۹۵۸ ژنورا متذکر شویم.

